

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

عبدالله امینی - کابل
۲۵ سپتمبر ۲۰۱۵

عید خون و آتش

"عجب صبوری خدا دارد"

در سرزمینی که از زمین و آسمان خون می بارد، در جایی که دیوانگی و ویرانگری مؤسسه شده است، در جایی که فساد و خیانت یک اصل گردیده است، در جایی که مزدوری به بیگانگان و فروش میهن افتخار شمرده می شود، در جایی که شرافت انسانی رخت بر بسته است، در جایی که بین حکمداران ، طبقات حاکم، جنگسالاران و ... نه وجدانی و نه حیثیتی باقی مانده است، چطور می توان عید را به هم میهنان تبریک گفت؟

سال هاست کشور اشغال شده ما کشته می دهد و ویران می شود. در کشوری که کشتن و بستن، وحشت و دهشت و غارتگری و دزدی بخشی از حیات روزمره محسوب می گردد، آیا جای دارد که عید را تجلیل کرد و به یک دیگر تبریک گفت.

روزی نیست صد ها جنازه بر شانه های مردم حمل نشود. روزی نیست که خانه ای ویران نگردد. روزی نیست که چند خواهر ما توسط مذهبیون "با خدا" بی عفت نشوند. روزی نیست که چند پسر نوبالغ مورد تجاوز قرار نگیرند. روزی نیست که متجاوزان خارجی چند سیلی به روی مردم ما نکوبند. روزی نیست که در خانه های مردم بی بضاعت ما، با وحشیگری کوبیده و شکسته نشود. روزی نیست که بدن انسانی قطعه قطعه نشود و روزی نیست که زعامت بی وجدان کابل مورد توهین و اهانت اجانب قرار نگیرد. با این همه پستی ها و خواری ها در کشور، نمی توانم عید را از صمیم قلب به هموطنانم تبریک بگویم.

این صبر خداوندی است که تحمل چنین شقاوت ها و ذلت ها را دارد. اگر من جای او بودم، در همان لحظه اول این سرزمین نفرین شده را از بنیاد زیر ویر می کردم. عجب صبوری خدا دارد!